

## تفاوت توجه به باورها در بین دو نسل

اکبر افاضلی

بنام آنکه هستی را آفرید و ستایش مخصوص اوست که بر بنده خاص خود حضرت محمد(ص) کتاب بزرگ قران را نازل کرد که عاری از هر گونه نقص است تا با این کتاب اهل ایمان را که اعمال آنها نیکوست به اجر بسیار در دنیا و آخرت بشارت دهد. شاید بتوان مطالب مورد بحث را از جهات مختلف تحولات فکری و اقتصادی مورد بحث قرار داد، زیرا تحولات اقتصادی موجب تحولات فکری می شود و تحولات اقتصادی و فکری در سیاست و اداره جامعه مؤثر است زیرا بطوری که سازمان های جدیدی را برای کنترل جامعه و ایجاد عدالت بوجود می آورد.

وچنین تحولی مسائل تعلیم و تربیت و آموزش را تحت تأثیر قرار خواهد داد که بطور یقین سازمان های تعلیم و تربیت چه از نظر کیفیت و کمیت نمی تواند همان هایی باشد که در گذشته بوده است و شکل گیری افکار جامعه متأثر از سیاست و حکومت می باشد و سیاست گذاری ها ناچارند که به این تفاوت ها توجه داشته باشند.

کلمه باور یعنی قبول سخن و پذیرش قول کسی و یقین اعتماد و همچنین باور داشتن یعنی سخن کسی را راست دانستن و باطناً تصدیق قول او کردن.

قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون انما یتذکر اولوالالباب<sup>(۱)</sup>

حال با تعریفی که از باور مطرح شد احساس ایجاد شکاف بین باورهای نسل قدیم و نسل جدید طبیعی به نظر می‌رسد به فرموده مولای متقیان حضرت علی(ع) که می‌فرماید فرزندان را برای زمان آینده تربیت کنید زیرا زمان آنها غیر از دوره شماست.

با باور داشتن حقایق و توجه به اینکه همه چیز را همگان می‌دانند، با استعانت از درگاه احدیت تا آنجا که توفیق باشد جهت کمک و تفکر به انسجام در باورها با تکیه بر اعتقادات اسلامی و انسانی در صدد برآمدن در این گردهمایی خدمتی ناقابل انجام دهم. ممکن است مطالبی که عنوان می‌شود قسمتی از دردها و اشکالات جامعه امروز باشد اما کلیه علت‌ها را شامل نگردد.

با این وصف پیشرفت‌های صنعتی در دو قرن اخیر و دسترسی به کرات دیگر، اختراعات و اکتشافات که زمینه آن از انقلاب فرانسه و بیداری دانشمندان بود تا امروز که دست اندازی علمی و تجسمی به کرات دیگر جزء برنامه‌های دانشمندان قرار دارد وجود ماهواره‌ها و تکنیک‌های برتر کامپیوتر و اینترنت و انواع ماشین‌ها و وسایل دیگر که در سیطره قدرت بشری قرار گرفته است باعث رشد افکار جوانان و دیگر اقشار جامعه شده است، خود تفاوت توجه به باورها بین دو نسل می‌باشد.

حدود ۵۰ سال قبل پدر بزرگ من با رؤیت کتاب فرانسه در دست حقیر مرا ناپاک می‌دانست آیا با امروز که هر کسی یکی دو فرزند دارد و آنها را در انواع کلاسهای (کامپیوتر و یکی دو زبان خارجی و نقاشی و فنون رزمی و غیره) می‌گذارد یکی است برنامه‌ریزان آموزشی و علوم اجتماعی باید متوجه باشند که در آینده رشد

صنعت و پیشرفت تکنیک و علوم پزشکی و اختراعات با سرعتی غیرپیش‌بینی خواهد بود.

و هیچ نسلی حتی در باورها با نسل قبلی خود از هر جهت همسو و همگام نبوده و نخواهد بود - یک ضرب‌المثل ژاپنی است: که در جریان آب می‌توان بی حرکت ماند اما در دنیای مردان هرگز. از نظر اقتصادی جمعیت هر جامعه به دو گروه عمده فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود و جمعیت دارای سن فعالیت از ۱۵ تا ۶۵ سال است.

اگر در جامعه‌ای عوامل تولید یعنی سرمایه، زمین، و نیروی انسانی استعمال نشده و به مقدار قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد چون کلیه منابع و امکانات جامعه به کار گرفته نشده و بین کل منابع جامعه و استعمال آنها اختلاف و عدم تعادلی وجود دارد، می‌توان گفت که رونق اقتصادی وجود ندارد. در جریان رونق اقتصادی تمام نیروهای فعال و بیکار جامعه بویژه نیروی انسانی در شرایط مطلوبی بکار گرفته می‌شوند. اما در تمام ادوار تاریخی جمعیت یکی از عوامل اساسی تولید و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی است. هر فرد ساکن کشوری مصرف‌کننده است و چون به سن کار کردن رسید در شمار تولیدکنندگان بالفعل و یا بالقوه در می‌آید.

برای بررسی تأثیرات جمعیت در اقتصاد یک کشور تنها کافی نیست که تعداد نفوس را در نظر بگیریم بلکه باید جذب ایشان هم با شرایط خاص خود و اولویت‌های علمی صورت گیرد. مسأله اقتصاد جامعه و تقسیم ثروت در حد دین و اوامر الهی و کتب آسمانی و توصیه انبیاء و مصلحان اجتماعی و قوانین هر کشور حداقل بصورت تهیه و تأمین امکانات اولیه زندگی می‌باشد که هر آینه در این روند

تبعیض و یا قصوری شود، در خانواده‌های فقیر چالش‌های غیر قابل جبران پدید می‌آورد که اولین آثار آن ایجاد شکاف مبتنی بر باورها بین دو نسل می‌کند. زیرا وضع نابسامان خانواده، احساس فقر ونداری و اینکه از دیگران فروتر است خود می‌تواند زمینه و سببی برای پریشانه‌حالی و عدم اعتماد نسبت به بزرگترهای ناصح و والدین باشد.

کودکان در یک محیط شاد خانوادگی فقر را احساس نمی‌کنند، حتی اگر بر سر سفره با نان خالی حاضر شوند نگران نیستند، ولی هنگامی که والدین را در حال آه و ناله ناشی از فقر می‌یابند و یا در زمانی که در مدرسه خود را در معرض مقایسه قرار دهند به وضع خود آگاه و آشنا می‌شوند.

مسأله فقر اگر در سطح کل جامعه باشد و برای آدمی احساس تبعیض نشود قابل تحمل است. مهم این است که آدمی نتواند آنرا تحمل کند و وسوسه‌هایی از عواقب فقر او را ناراحت نماید که این امر در همه سنین صادق است.

از فرمایشات امام سجاد علیه السلام: **الفقر موت الاکبر**

(پریشانه‌حالی یک بلا و عامل فلاکت است، وجود آن دردی است که به تنهایی می‌تواند روزگار افراد را تیره کند و باعث دشواری‌های فوق‌العاده‌ای شود ولی عواملی هم هستند که بر دامنه پریشانه‌حالی افزوده و وضع او را از بد بدتر کند. مسکن محقر و تنگ و تاریک و غیر بهداشتی، احساس جبر در زندگی و محدودیت و ممنوعیت شدید، تحمیل مسئولیت‌های سنگین بر کودک، خستگی‌های مداوم و ناراحت کننده مخفی داشتن نگرانی‌ها و در درون خود ریختن آنها، بدی وضع تغذیه، بی‌خوابی‌ها، خیالات رنج آور، شرمسار شدن در حضور جمع برای مسائل کوچک چون نمره درسی، هراس از اینکه گذشته‌اش فاش شود و

پته‌اش روی آب افتد، اطلاعات غلط وی حساب درباره مسأله‌ای که وحشت آفرین است<sup>(۱)</sup>

هر کدام از موارد فوق می‌تواند مقدمه یک پرخاش و اعتراض قرار گیرد و در خانواده بروز اختلاف و بی‌احترامی نسبت به والدین گردد و زمینه‌ای برای بدبینی در جامعه شود این خلدون می‌نویسد: درآمد و دارایی عبارت از ارزش کاری است که انسان انجام می‌دهد، و از اینرو هرگاه کارهای انسانی فزونی یابد بر ارزش آنها هم افزوده می‌شود و این امر موجب رفاه و توانگری آنان می‌شود و بدانجا منتهی می‌گردد که به تجمل پرستی روی آورند و در زیبایی و ظرافت مساکن و پوشیدنی‌ها بکوشند و ظروف و اثاثیه عالی و نیکو فراهم آورند و مرکب‌های بهتر آماده سازند و این‌ها همان کارها و اموری است که دارای ارزش هستند.<sup>(۲)</sup>

باید توجه داشت که اخلاق و عادات و رسوم و مذهب و دیگر پدیده‌های فکری انسان در طول تاریخ همواره در تغییر و تحول بوده است. یکی از هدف‌های اساسی قانون‌گذاری اخلاقی آنست که تمایلات طبیعی بشر را که تغییرناپذیر است با احتیاجات زندگی اجتماعی که دائماً در تغییر است متناسب و هماهنگ سازد.

بنیامین دی‌زرائیلی می‌گوید: سلامتی زیربنای خوشبختی و قدرت و روحیه است و انسان مولود شرایط نیست، شرایط مخلوق انسان است.

زمانی مشاغل مختلف وجود داشت: غیر از جماعت قصاب و چوپان و گله دار، نانوا و کشاورز و باغدار هم بود، از عصارخانه‌های روغن کشی و آسیاب آبی که بگذریم باید از حرفه‌هایی چون لحاف دوزی و حلاجی و نمدافی و خیاطی و

۱- کتاب خانواده، دکتر علی قائمی، صفحه ۲۰۰

۲- مقدمه ابن خلدون، صفحه ۷۱۳، ج ۱.

کلاه‌دوزی و ارسی دوزی و کارهایی مانند حکاکی و زردوزی زری بافی و نقده دوزی و قلابدوزی و کلیچه‌دوزی و خزدوزی و پوستین دوزی و چکمه دوزی و ساگردوزی و همچنین جماعت قداره‌ساز و تفنگ‌ساز و قیچی‌ساز و چاقوساز و قلمدان‌ساز و سرانجام معمار و بنا و نقاش و نجار و خاتم‌کار و منبت‌کار و غیره نام برد که تا حدود چهل پنجاه سال پیش در ایران معمول بود و اغلب فرزندان به حرفه پدری می‌پرداختند. هر چند بعضی از این حرف‌ها هنوز هستند اما اغلب جای خود را به ماشین داده‌اند و یا قسمتی از کارها ماشینی شده است و نیروی انسانی چندانی لازم ندارند. با رخنه انقلاب صنعتی و بخصوص امکانات تحصیلی تا مقاطع عالی که برای اغلب جوانان فراهم شده است و ابتدا هدف تأمین نیروی انسانی متخصص و درس خوانده‌ها هر قدر نفوذ ماشین و نصب دستگاه‌های صنعتی چه در امور دولتی و کارگاه‌ها و کارخانه‌های بخش خصوصی بیشتر گردید نیاز کمتری به نیروی انسانی و قدرت بدنی حاصل شد و بیشتر حرفه‌ها از میان رفت. با مطالعه بر روی ملل دیگر و مقایسه چگونگی برنامه ریزی و عملکرد اگر خود را با ژاپن مقایسه کنیم انقلاب فرهنگی ایران با اقدامات میرزا تقی خان فراهانی امیر کبیر قبل از انقلاب فرهنگی ژاپن بوده است اما دنبال نشد و حتی ساقط گردید و این سقوط را می‌توان در انحطاط فکری کل جامعه دانست. و امروز می‌بینیم یکنفر ژاپنی عملاً برای خدمت به جامعه‌اش حرکت و فعالیت می‌کند و ملتی با این فرهنگ و روحیه زندگی خوبی دارند برای اینکه تفکرشان نسبت به زندگی عوض شد.

نوع تربیت در ایران در قرون اخیر تا حدود زیادی فاقد فرهنگ زیستن و در خدمت دیگر هموعان بودن حکایت دارد. مثلاً برای مدرسه فرستادن بچه‌ها آموزشگاه صاحب نام غیر انتفاعی و نمره ۲۰ ملاک سواد و یاد گرفتن فرمول‌های قبلی

در کنکور و رشته‌های تحصیلی دانشگاه که پولساز می‌باشد مطرح است. به همین دلیل خانواده‌های دارای امکانات مالی و تازه به دوران رسیده‌های پولدار علاوه بر بهره‌وری از سرویس‌های خاص فرزندان‌شان با اخذ مدرک خود را برتر از دیگر همگنان می‌پندارند. وقتی یک جوان آنچنان درناز و نعمت با همه امکانات مالی و تحصیلی وارد اجتماع می‌شود خود را تافته جدا بافته می‌انگارد و برای هیچ کس احترامی قائل نیست و همین امر در حد وسیعی ایجاد شکاف بین باورهای نسل قدیم و نسل جدید می‌نماید. دیگران دارای شعور و ادراک هستند و چون راه درست برای زندگی نمی‌یابند از قالب‌های دزدی که هزینه اولیه خوراکشان را تأمین می‌کند شروع می‌نمایند تا آنجا که آبرویشان می‌ریزد و حیا و آزر و احترام و ترحم از بین می‌رود و این هم عدم توجه به باورها از نوع دیگر است که بین دو نسل بوجود آمده است.

وقتی آموزش یک بعدی و بر مبنای عدم وجدان کاری و عاری از اخلاق و فرهنگ باشد می‌بینیم یک راننده بدون اینکه فرهنگ و قوانین رانندگی و راهنمایی را آموخته باشد و به آنها احترام بگذارد در حالیکه با تلفن همراه مُد روز مکالمه دارد از چراغ قرمز هم رد می‌شود و جریمه‌اش را می‌دهد که در حقیقت ماشین و وسیله نقلیه یک دستگاه بی‌روح تنبیه می‌گردد. یا در حرفه پزشکی و سوگند نامه در حالیکه می‌داند مردم پول ندارند و درآمد با ریال و هزینه‌ها با دلار است شاید حق داشته باشد برای یک عمل جراحی چند میلیون تومان بخواهد و بخود و زندگی‌اش فکر کند و مزد تخصص خودش را بگیرد در مسائل تفریحی و ورزشی سرگرمی‌های جوانان سالمترین مسابقات ورزشی است که متأسفانه اغلب مشاهده می‌شود برخی تماشاچیان و بعضی بازیکنان رعایت شئون انسانی و حفظ حریم انسانیت را

نمی‌کنند چون فرهنگ در صحنه جامعه بودن را نیاموخته‌اند در خانواده و مدرسه به او یاد نداده‌اند زیرا دستگاه‌های تبلیغاتی فقط قهرمان می‌خواهند حال اگر این قهرمان فاقد اخلاق هم بود برنده بودن مطرح است و صعود تیم و گرفتن مدال و جایزه و به استناد اینکه فلان بازیکن در یک تیم صاحب نام خارجی عضو شده است بدون توجه به عوامل آن که مورد اول آن تأمین زندگی قهرمان و بعد هم سود باشگاهی که عضو آن بوده است و از همه مهمتر منافع باشگاه خارجی که به عضویت آن در آمده است و اینکه کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصاد دانان در نقاط مختلف دنیا بخصوص کشورهای پیشرفته صنعتی مادیگرایی با مطالعه روی افکار ملت‌های جهان سوم توصیه استخدام بازیکنی را در تیم معرفی می‌نمایند زیرا می‌دانند با تعصبی که مردم اینگونه ممالک نسبت به هم ولایتی‌های خودشان دارند تنها در یکی دو مسابقه که با تبلیغات صورت می‌گیرد تمام وجهی را که بابت خرید آن بازیکن داده‌اند از فروش بلیط می‌گیرند.

ناگفته نماند ایرانی در هر رشته‌ای که دنبال کند با استعداد و پشتکار سرآمد اقران است. گزنفون می‌نویسد: ایرانیان بیش از همه مردم دیگر در اندیشه آن هستند که در هیچ لذتی افراط نکنند، فرد ایرانی تربیت شده با نگاه حسرت‌آمیز با حرکت حاکی از ولع در برابر خوردنی و یا نوشیدنی هوسناکی یا هیجانی از خود نشان نمی‌دهد، بلکه حضور ذهن خود را چنان حفظ می‌کند که گویی اصلاً بر سر سفره ننشسته است. در سر سفره تنها از مطالبی پرسش می‌کردند که دیگران پرسش در آن‌باره را درست می‌دانستند. در مسخرگی‌های خود از هر اهانت و دشنام و هر حرکت نابجا و گفتن سخن‌های تلخ نسبت به یکدیگر خودداری می‌کردند.<sup>(۱)</sup>

۱- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، صفحه ۵۱۸، ج ۱



بزرگمهر گفته: فضیلت در معرفت است زیرا که خرد و دانش منشأ صفات حسنه‌اند. قبلاً پدر و مادر و بزرگترهای خانواده احترام خاصی داشتند و کمتر فرزندی روی حرف پدر سخن می‌گفت. چون این پدر کار می‌کرد و خرج خانواده چند نفری خود را در حد درآمدی که داشت می‌داد و اعضای خانواده هم وقتی رنج و زحمت او را می‌دیدند قدرتش را می‌دانستند. لیکن امروز در یک خانوار محدود والدین هر دو باید کار کنند تا یکی دو فرزندی که دارند هزینه بخشی از نیازهای تحصیلی و شهریه آنها را فراهم سازند و از طرفی وقت و فرصت استراحت ندارند که باهم سخنی بگویند بخصوص فرزندان خانواده‌های بازنشسته و کارگر از کارافتاده با این مستمری ناچیزی که به او میدهند نان خانوار خود را نمی‌تواند تأمین کند اگر عروس و داماد و نوه‌ای هم داشته باشد شرمنده آنهاست پس دیگر اجر و قرب و احترامی باقی نمی‌ماند، والدین قدرت مالی تأمین مخارج و مسکن و ازدواج جوانشان را ندارند پس حرفش هم برای ایشان بدون ارزش می‌شود. این هم نوع دیگری از شکاف بین دو نسل است. در گذشته توجه اطفال به خصلت حق‌شناسی این بود که بزرگتران را بدین خصلت متصف می‌دیدند و اطاعات و وظیفه‌شناسی منحصر به اطفال نبود بلکه بزرگتران نیز موظف بودند که حرمت فرزندان خود را نگهدارند.

جوانی رادیو پخش ماشینی را دزدیده و دستگیر شده بود، به او گفتند چرا به این کار اقدام کردی؟ آهی کشید و گفت سیر خبر از گرسنه ندارد، و شکم گرسنه نان می‌خواهد اما ماشین بدون رادیو پخش راه می‌رود و از طرفی:

آدم از دزدی فلانی می‌شود

رفته رفته ایـلخانی می‌شود

در جامعه‌ای که کار نباشد کنترل امنیت مشکل است بازار دزدی و اعتیاد و پخش مواد مخدر رواج دارد، زیرا فقر و نداری باورهای انسانی را عوض کرده است و نصیحت و سخنرانی کاربردی ندارد بخصوص اینکه در بیان مطالب فقط بیگانه و بیگانه پرست را در موارد فوق مقصر بدانیم. و حال آنکه روز به روز فاصله طبقاتی عده‌ای محدود از جهت مالی زیادتر و اکثریت جامعه هم به نان شب محتاجند و با سیلی صورت خود را سرخ نگاه داشته‌اند. باید با برنامه‌ریزی علت و معلول را از هم جدا کرد و لااقل در فکر پیشگیری قبل از ابتلا بیاندیشم که در آینده ولو دور بدتر نشود.

### آب در روغن چو ریزد ناله خیزد از چراغ

#### صحبت ناجنس آتش را به افغان آورد

بطوری که می‌بینیم از مطالب روزنامه‌ها بوی خودخواهی به مشام می‌رسد و برنامه‌های رادیو و تلویزیون فیلم‌ها اکثراً غیر از مسائلی چون تصادف و سرقت و مرگ و میر و ناکامی و طلاق و خیانت و قاچاق که البته حکایت از دردهای اجتماعی هم دارد چیز دیگری نیست که نسل جوان به عوض برداشت درست و تجربه زندگی متأسفانه شگرد خطاکاری موفق را می‌آموزد. در اروپای قرون وسطی فئودال‌ها فقط کارهای جنگی را در خور مقام خود می‌دانستند و کار بازرگانی و کار بدنی را تحقیر می‌کردند.

توماس هنری هاکسلی می‌گوید: عظمت زندگی در علم نیست بلکه در عمل است. عامل عدم فرهنگ و وجدان و نیاز مبرم مالی و فقر حتی برخی افراد شاغل در ادارات و شرکت‌های وابسته به دولت برای زندگی بهتر به کارهای خلاف و اخذ رشوه و باج و درآمدهای غیر مشروع روی می‌آورند و با سوء استفاده‌های مختلف

نسبت به جامعه خیانت می‌کنند و با تملق و چاپلوسی و غیره نظر رؤسای خود را جلب و آنها را با تظاهر به درستکاری اغفال می‌نمایند که این هم شکاف دیگریست بین این اقلیت خائن و اکثریت صادق خادمین و متدینین واقعی و زیانی که به حقوق مردم و اموال عمومی حاصل می‌گردد مساله به همین جا ختم نمی‌گردد مهمتر از آن تفاوت و تغییرات زندگی و خانه و ماشین و فرزندان این دو نوع کارمند که با شرایط مساوی تحصیلی در مدرسه هستند و فرزند کارمند درستکار از جهات مختلف و امکانات مالی خود را با فرزند همکار نادرستکار پدرش مقایسه می‌کند و کمتر می‌بیند، با خود می‌اندیشد و گاهی بیان می‌کند چرا پدر من باید صادقانه کار و با آبرو داری زندگی کند و حال آنکه آبرو در جامعه امروز پول و امکانات مالی و شغلی است. که همین مساله در حد وسیعی شکاف بین باورهای نسل جدید و نسل قدیم دارد. هزاران نمونه دیگر که تا فرهنگ جامعه از ریشه متحول نشود وضع بهبود نخواهد یافت.

تعریف اخلاق و تدریس مبانی دینی و اخلاقی و نصیحت زمانی کاربرد دارد که خود ناصح عملاً از هر پیرایه‌ای مبرا باشد و گرنه مستمع که دم خروس را می‌بیند قسم حضرت عباس را چگونه باور کند. شاید بتوان گفت اغلب در کشور ما مدرک تحصیلی برای بدست آوردن شغل و کار دولتی جهت ادامه زندگی جا افتاده است، اگر با دقت به آمارها بنگریم حدود ۱۵ درصد از دانش‌آموختگان به مشاغل آزاد و حدود پنج درصد هم راهی کشورهای صنعتی شده‌اند و بقیه در انتظار مشاغل دولتی هستند چون سرمایه و تخصص کار آزاد را هم ندارند و دستگاههای دولتی هم قدرت جذب ۲۰ تا ۲۵ درصد نیاز واقعی بیشتر ندارند. بقیه بیکار می‌مانند و علت این امر هم نحوه برنامه‌ریزی‌های حساب نشده و تعلیم و تربیت است که تحصیل

رابرای بالابردن فرهنگ زندگی و بهتر زیستن و تأمین توشه آخرت به جامعه نمی‌آموزد ورشته‌های تحصیلی دانشگاهی با نیاز حقیقی جامعه همگامی ندارد.

اغلب شنیده می‌شود تعداد فارغ التحصیلان رشته کشاورزی زیادند و برای استخدام همه آنها کار نیست. آیا در سال‌های اخیر که تعداد دانشگاهها زیاد شده است فکری جدی و عملی برای واگذاری زمین کشاورزی و سرمایه بصورت وام طویل‌المدت و اجازه حفر چاه و تأمین آب از طریق سد بندی و کانالیزه کردن و جلوگیری از هرز رفتن آب واحداث قنات و غیره شده است؟ آنهم در کشوری که زمین فراوان دارد و آب رودخانه‌ها این نعمت خدادادی به دریا می‌ریزد؟

گاهی هم که اقدامی اساسی مانند طرح نیشکر خوزستان با آن همه هزینه ولو از جیب مردم شروع شده موضوع پیگیری جدی تا مرحله بهره‌برداری کامل نگردیده است. مثلی بود که می‌گفتند: چراغی که بخانه رواست به مسجد حرام است اول باید خانه را آباد و گرم کرد بعد میهمان دعوت نمود ویا برای اسم و رسم هدیه به غیر داد.

برای رفع اختلاف بین باورها باید از مدرسه و خانواده شروع کرد آنهم نه بصورت تربیت یک بعدی. اول آنگونه آدم‌سازی لازم است که این آدم از کودکی خوب فکر کند بقول معروف:

چوب‌تر را چنانکه خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست

آدمی باشد که خوب تشخیص دهد، خوب عمل کند، خیر جامعه را بر منافع خود ترجیح دهد، از تظاهر و دورویی و ابن الوقت بودن و نان به نرخ روز خوردن و تملق‌گویی و قشری‌گری و تنگ نظری و بت‌پرستی پرهیز داشته باشد و دروغ نگوید و با توجه به کتاب آسمانی قرآن وظایف خود را انجام دهد. برای این

نوع آموزش و تربیت لازم است با نظر کارشناسان آگاه از اوضاع جهان و دانشمندان خبره با برنامه‌ریزی درست نحوه آموزش و پرورش را متحول نمود تا در آینده انسان‌های شرافتمند و درستکار و متعهد به اصول انسانیت داشته باشیم.

(در گذشته عیب مهمی در روش پرورش وجود داشت یعنی روش القای عقیده بود که ایجاد حس فرمانبرداری مطلق و تسلیم کورکورانه در برابر قدرت و قوه قهریه می‌کرد و شخصیت افراد را بکلی از بین می‌برد و آنها را مانند اجزای ماشینی می‌کرد که توسط موتور در حرکت است و هر وقت موتور از کار افتاد اجزاء نیز از کار باز می‌ماند.

در چنین جامعه‌ای اختیار افراد و مردم در دست زمامداران و کارکنان و مأموران دولتی بود و افراد از خود اراده و عقیده‌ای نداشتند.<sup>(۱)</sup>

هرودت گفته: در گذشته‌های دور یکنوع فرمانبرداری مطلق و یک قسم تسلیم و انقیاد صرف به وسیله پرورش و عادت در نهاد مردم ایران متمکن شده بود که تخلف از آن بخاط هیچ کس نمی‌رسید.

جرج را ولین سن مورخ انگلیسی تذکر می‌دهد: که یکی از معایب آموزش و پرورش ایران تولید حس عبودیت و بندگی بی حد و حصر و اطاعت کورکورانه است که به نظر مردم امروز ایران متباین با مردانگی و شؤون انسانی است.

هرودوت می‌نویسد: ایرانیان از سن پنج سالگی تا ۳۰ سالگی به فرزندان خود سه چیز می‌آموختند، اسب دوانی، تیراندازی، راست گویی و دروغ‌گویی ننگین‌ترین عمل بوده است.

حال تلفن زنگ می‌زند، به طفل می‌گویند اگر فلان کس بود بگو پدر و مادر

در خانه نیستند، ناصح از رادیو و تلویزیون می‌گوید:

وقتی گوشت و تخم مرغ گران است نخورید، با آن میهمانی‌هایی که خبرش پخش می‌شود پس بقول معروف مرگ برای همسایه حق است.

ناصح توصیه‌اش براین است که رفت و آمد مردم با وسیله عمومی باشد که از آلودگی هوا کاسته شود، این نصیحت بسیار عالی است اما وقتی مردم خود و خانواده آن ناصح را با اتومبیل‌های مختلف که آرم طرح ترافیک هم دارند آنهم بصورت تک نفری که، هر کدام در یک ماشین می‌نشینند، پس باید بپذیریم که درغکویی از خارجه و غرب به این شکل وارد نشده است و اشاعه‌دهنده آن هر یک از ما بطریقی می‌باشیم، مردم می‌فهمند و آنهایی که در ایمان به خدا عقیده‌ای سست دارند روی به کار خلاف و دزدی و قاچاق و غیره می‌زنند که از حداقل امکانات مالی و زندگی بهره‌مند گردند که همین مسأله اعتیاد و گرفتاری نسل حاصل آن است.

امروز نه تنها در پارک و معابر بلکه در بیشتر نقاط نمونه‌های بارز آنرا می‌بینیم که با تمام کوشش مأموران جان‌برکف مبارزه با مواد افیونی و گاه شهادت این عزیزان و کشف مقادیر زیاد مواد مخدر هم حل نشده است.

حقیقتی که از ابتلائات جامعه بخصوص نسل جوان خبر می‌دهد اینست که تحول ریشه‌ای و واقعی در نظام آموزشی و مقدم شمردن پرورش بر آموزش با توجه به تکنیک‌های پیشرفته دنیا و همگام با نیازهای بشر برای زندگی آیندگان و آشنا کردن اطفال از خردسالی با قوانین و مقررات مترقی برای بهتر زیستن و حفظ شؤونات انسان لازم است وقتی قرار بر این است که کار تعلیم و تربیت به بخش خصوصی واگذار گردد، بهترین برنامه تبدیل مدارس از ابتدایی تا آخر دبیرستان به مدارس نمونه مردمی است که با کمک گرفتن فکری و مالی از مردم زیر نظر معلمان و مربیان

متخصص شایسته که وزارتخانه در اختیار دارد و نظارت کامل دولت از جهات مالی و پرورشی و آموزشی باشد و کار این تجارتخانه‌های (غیر انتفاعی فعلی) تدریجاً محدود گردد تا عقده دانش آموزان مستعد و بی‌پول هم که از این تبعیض رنج می‌برند از بین برود.

هرودت گفته: اگر تمام مردم را آزاد گذارند و از آنها بخواهند که پس از دقت بهترین قوانین را انتخاب کنند هر کس قوانین قوم خود را انتخاب می‌کند. چون کشورهای پیشرفته صنعتی برای مغزها ارزش زیادی قائل بودند با تمسک به هر حيله‌ای نسبت به جذب صاحبان اندیشه اقدام نمودند و نتیجه سرمایه‌گذاری کشورهای جهان سوم و در حال رشد را که نیروی انسانی ماهر و تحصیلکرده تربیت نموده‌اند، ربودند. رشد افکار مسأله دیگری بود که همه تحصیلکردگان طالب کاری هستند که زحمت کمتر و درآمد بیشتر داشته باشد، پشت میز نشینی با درآمد بالا آنچنان اذهان درس خوانده‌ها را بخود جلب کرده است که حاضرند برای بدست آوردن میز به هر کاری تن در دهند.

عوامل مهمی در باورها با نحوه تفکرات متفاوت بین دو نسل قدیم و جدید وجود دارد که از جمله تبعیضاتی است که در شؤون مختلف اداری و اجتماعی مشهود است.

هنری فورد می‌گوید: بجای ایرادگیری چاره‌اندیشی کنید.

سعدی علیه الرحمه فرموده است:

در روش آموزش و پرورش مواردی ضرورت دارد که بشرح زیر می‌باشد:

- ۱- انسان برای فهم مطالب و قضاوت در امور باید حواس خود را بکار برد.
- ۲- در هر موقع بیم و امید را باید وسیله طفل قرار داد.

- ۳- کودک را نباید با ناز و نعمت پروراند و گرنه در دنیا دُچار زحمت خواهد شد.
- ۴- پدر باید فرزند را خوب نگهدارد و حاجات او را برآورد.
- ۵- طفل را از بین رفیق و قرین بد باید دور داشت.
- ۶- معلم گاه سختگیری و گاه ارفاق و هیچگاه اعتدال را از دست ندهد.
- ۷- بهترین طریقه در تربیت تشویق و تحسین است.
- ۸- اگر رویه معتدل در تربیت مؤثر نباشد گاه تنبیه لازم می‌شود.
- ۹- تحصیلات نظری به تنهایی سودمند نیست بلکه باید با عمل توأم باشد.
- ۱۰- سؤال کردن وسیله کسب اطلاع و تعلیم باید باشد.
- ۱۱- مدرس و ناصح باید رعایت ذوق و میل شنونده را بکند ورنه مستمع به بیانش دل ندهد.

۱۲- آموزگار باید با هیبت باشد تا شاگردان از او ملاحظه کنند.<sup>(۱)</sup>

رومن رولان می‌گوید: دوستی که شما را درک کند شما را می‌سازد.

عدم توجه به زندگی جامعه از سوی برنامه‌ریزان که لازمه آن توجه به شرایط زمان و مکان و اعتقادات و تأمین اقتصادی اقشار مردم و امنیت و بهداشت و پیشگیری‌های ضروری و غیره می‌باشد تفاوت بین باورهای دو نسل قدیم و جدید را بیشتر خواهد نمود.

لازمه تعلیم ترجیح دادن پرورش برآموزش است که در این نوع تربیت از زیان‌های رشوه و ارتشاء / دروغ‌گویی / بی‌دینی / تنگ نظری و حسادت / دزدی / خیانت / قتل و جنایت / تخریب جنگل / آلوده کردن محیط زیست / عدم توجه به مسائل اجتماعی / طلاق / انحرافات اخلاقی / اعتیاد / قاچاق / همکاری با

۱- دکتر صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران، صفحه ۱۷۶.



حکومت نکردن / اختلافات خانوادگی و رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی و اصول شهرنشینی و غیره مخصوصاً احترام به والدین و بزرگترها باید به اطفال آموزش داده شود. در چنین نظامی همکاری مردم با حکومت از روی صمیمیت خواهد بود و دولتمردان نیز با از بین بردن نظام طبقاتی حکومت دموکراسی نشأت گرفته از قرآن و سنت رسول الله را پیاده خواهد نمود و ریشه تبعیض را از جامعه برمی‌کند.

بزرگمهر می‌گوید:

از استاد خود استفادت می‌نمودم و او جواب می‌گفت.  
گفتم ای استاد از خدای عزوجل چه خواهم که همه نیکویی‌ها خواسته باشم؟  
گفت سه چیز: تندرستی ایمنی توانگری  
گفتم که کارها به که سپارم؟ گفت به آن کس که بکار خویشتن شایسته باشد.  
گفتم از که ایمن باشم؟ گفت از دوستی که فاسد نباشد.  
گفتم چه چیز است که به همت سزاوار باشد؟ گفت علم آموختن و به جوانی بکار حق مشغول بودن  
گفتم کدام عیب است که نزد یک مردم معتبر نماید؟ گفت هنر خود گفتن.  
گفتم چون دوست ناشایست پدید آید چگونه از وی باید برید؟ گفت به سه چیز، به زیارتش کم رفتن / از حالش ناپرسیدن / واز وی حاجت ناخواستن.  
گفتم از جوانان چه بهتر واز پیران چه نیکوتر؟ گفت از جوانان شرم و دلیری واز پیران دانش و آهستگی.

**خلاصه و نتیجه:**

بشر هر روز از همه جهات در تغییر و تحول است و این خود معجزه خلقت می‌باشد که باید همواره انسان بطرف پیشرفت تا رسیدن به حقیقت مطلق در پرواز باشد و به همین دلیل است که بشر امروز با روز قبل از خود تفاوت دارد و از هر لحاظ شرایط فکری / فلسفی / سیاسی / اجتماعی و اقتصادی و موارد دیگر با کسانی که قبل از خود بوده‌اند فرق دارد و این تفاوت در نسل جوان بیشتر مشهود است و سیاستمداران و مدیران در برنامه ریزی و سیاست گذاری ناچارند به این تفاوت‌ها توجه داشته باشند.

